



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

تاریخ: ۲۸ دیماه ۸۹

مصادف با: ۱۳ صفر ۱۴۳۲

جلسه: ۱۶

موضوع کلی: کیفیت جمع قرآن

موضوع جزئی: ترتیب سُور

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض شد که جمع قرآن به معنای تدوین و نگارش قرآن در ادوار مختلفی اتفاق افتاده است. دوره اول در زمان خود پیامبر (ص) بوده و دوره بعد در زمان ابوبکر بوده و بعد از آن هم در زمان عثمان قرآن جمع‌آوری شده البته تلاشی که به شکل عام برای جمع‌آوری قرآن صورت گرفته در دوره سوم است و گرنه تلاش‌های شخصی زیادی برای جمع قرآن انجام شده مثل جمع‌آوری قرآن توسط امیرالمؤمنین (ع)، همچنین عرض شد که ترتیب آیات توقیفی است و در این جهت بین مسلمین اختلافی نیست و همه قبول دارند که ترتیب آیات با بیان و دستور خود پیامبر صورت گرفته است، اختلافی که وجود دارد در ترتیب بین سُور است که آیا سور قرآن به همین ترتیبی که هم اکنون موجود است توسط پیامبر بیان شده یا بعد از پیامبر این ترتیب شکل گرفته است؟ سه قول در اینجا وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

اقوال در ترتیب سور قرآن:

قول اول:

قول اول این است که ترتیب سُور مثل ترتیب آیات توقیفی است یعنی در زمان خود پیامبر و با دستور پیامبر شکل گرفته است این عقیده، هم در بین علماء شیعه از متقدمین و متأخرین طرفدارانی دارد و هم در بین علماء اهل سنت، مثلاً سید مرتضی از کسانی است که معتقد است ترتیب سور توقیفی است و توسط پیامبر صورت گرفته است و از متأخرین هم عده‌ای از جمله مرحوم آقای خوئی معتقد به این قول هستند.

قول دوم:

قول دوم این است که ترتیب سور توقیفی نیست و همه سُور بر اساس اجتهاد اصحاب و بعد از پیامبر شکل گرفته است که این قول هم، هم در بین علماء شیعه و هم در بین اهل سنت طرفدارانی دارد.

قول سوم:

قول سوم قول به تفصیل است یعنی قائلین به این قول معتقدند بعضی از سور را پیامبر مرتب کرده و بعضی دیگر را اصحاب بر اساس اجتهاد و استنباط خودشان مرتب و منظم کرده‌اند این قول هم طرفدارانی دارد از جمله زرکشی در برهان این قول را پذیرفته و معتقد به تفصیل می‌باشد و می‌گوید: ترتیب بعضی از سور قرآن از ناحیه خداوند معین نشده، لذا در این موارد رعایت ترتیب واجب نیست بلکه ترتیب آنها از طرف خداوند به اختیار صحابه و به اجتهاد آنها واگذار شده لذا می‌بینیم که

مصحف هر یک از صحابه دارای ترتیب مخصوص به خودش می‌باشد،^۱ خود اینکه مصاحف صحابه هر کدام ترتیب خاصی بوده‌اند دال بر این است که ترتیب بعضی از سور به اجتهاد خود صحابه بوده است. البته قائلین به تفصیل تعداد سوره‌هایی که ترتیب آنها به اجتهاد و استنباط اصحاب واگذار شده را حدود ۳۵ سوره (ثلث قرآن) دانسته‌اند.

زرکشی ادعای دیگری هم دارد و آن اینکه در عین حال که خودش در ترتیب سور قرآن قائل به تفصیل شده می‌گوید: نزاع در توقیفی و اجتهادی بودن سور قرآن یک نزاع لفظی است یعنی اینکه اختلاف و نزاع فقط در الفاظ می‌باشد، به این نحو که عده‌ای ترتیب سور را توقیفی و عده‌ای اجتهادی دانسته‌اند، چون همان کسانی هم که ترتیب بعضی از سور را اجتهادی می‌دانند معتقدند که اصحاب، قرآن را جز به ترتیبی که از پیامبر شنیده‌اند مرتب نکرده‌اند یعنی اینطور نبوده که به اجتهاد خودشان سور را مرتب کرده باشند و در واقع بازگشت نزاع به این است که آیا صحابه ترتیب سوره‌ها را بر اساس سخن پیامبر قرار داده‌اند تا توقیفی باشد یا اینکه سوره‌ها را به استناد اینکه عملاً در زمان پیامبر چنین ترتیبی داشته مرتب کرده‌اند تا اجتهادی باشد، این ادعایی است که از طرف زرکشی مطرح شده ولی حق این است که این ادعا مورد قبول نیست، حداقل مسئله این است که اگر قرار بود اصحاب به ترتیبی که در زمان پیامبر شنیده بودند عمل می‌کردند و سوره‌ها را مرتب می‌کردند نباید این اختلاف‌ها در مصاحف به وجود می‌آمد، خود زرکشی که قائل به تفصیل است وجود مصحف‌های متعدد که دارای ترتیب‌های مختلف بودند را شاهد بر مدعای خود قرار می‌دهد پس چطور می‌شود گفت که نزاع بین توقیفی بودن و اجتهادی بودن ترتیب سور، لفظی است، در حالی که مصحف بعضی از اصحاب با بعضی دیگر از حیث ترتیب سوره‌ها اختلاف دارد لذا اینکه ما بگوییم این نزاع لفظی است قابل قبول نیست.

البته ثمره‌ی عمده‌ای بر این نزاع مترتب نمی‌شود و تنها ثمره‌ای که می‌شود برای آن ذکر کرد مسئله وجوب و عدم وجوب رعایت ترتیب است و گرنه از نظر دخالت در فهم و تفسیر آیات تأثیر آنچنانی ندارد.

نتیجه اینکه در ترتیب سوره‌های قرآن سه نظر وجود دارد و هر یک از این سه نظر، هم در بین علماء شیعه و هم در بین علماء اهل سنت طرفدارانی دارد و هر کدام هم برای مدعای خود ادله‌ای دارند و معلوم شد که این نزاع لفظی نیست که بگوییم دعوا سر دو چیز جداگانه است و هیچ اختلاف ماهوی و حقیقی بین این اقوال وجود ندارد بلکه این نزاع یک نزاع معنوی است و اختلاف بین این اقوال حقیقی است و صرف یک نزاع لفظی نیست.

ادله قول اول: قائلین به ترتیب در زمان پیامبر:

مهمترین دلیل کسانی که قائل به قول اولند (اینکه ترتیب در زمان پیامبر صورت گرفته) دو دلیل است.

دلیل اول:

دلیل اول این است که جمع زیادی قرآن را حفظ داشتند و شخص پیامبر هم اهتمام زیادی به حفظ قرآن داشتند و اصحاب را هم توصیه و تشویق می‌کردند که قرآن را حفظ کنند و همچنین خود مسلمین هم اهتمام زیادی برای حفظ قرآن داشتند

۱. البرهان، ج ۱، ص ۲۶۲.

که بخش زیادی از اوقات خود را صرف حفظ قرآن می‌کردند، پس وجود حافظان زیاد مانع از این می‌شد که قرآن بعد از پیامبر ترتیب دیگری پیدا کند زیرا کسانی که قرآن را حفظ می‌کردند، هم در مورد حفظ آیات ترتیبی را که پیامبر دستور می‌دادند رعایت می‌کردند و هم در حفظ سوره ترتیبی را که پیامبر القاء می‌فرمودند رعایت می‌کردند.

دلیل دوم:

دلیل دوم این است که نمی‌شود پیامبر چنین مسئله مهمی را که می‌خواهد کتاب جاودانه مسلمین شود و تا آخر به عنوان کتابی که معجزه پیامبر و راهنمای مسلمین است، در بین مسلمین بماند بدون ترتیب و نظم خاصی رها بکند لذا اهمیتی که این مسئله داشت اقتضاء می‌کرد که در زمان خود پیامبر و با نظارت شخص پیامبر آیات و سوره مرتب شوند.

بررسی قول اول:

اشکال دلیل اول: حفظ قرآن با همه اهمیتی که دارد و وجود حافظان قرآن و معلمینی که تعلیم و حفظ قرآن را ترویج می‌کردند دلیل بر این نیست که ترتیب بین سوره در زمان پیامبر بوده چون معمولاً اصحاب آیات را بر اساس ترتیب نزول حفظ می‌کردند یعنی به هر میزان و با هر ترتیبی که آیه نازل می‌شد حفظ می‌کردند، قبلاً هم گفتیم که یکی از وجوهی که بر تدریجی بودن نزول ارائه کرده‌اند این بود که حفظ قرآن آسان باشد پس حفظ قرآن نمی‌تواند دلیل بر ترتیب خود آیات باشد چه برسد به اینکه دلیل بر ترتیب سوره باشد.

اشکال بر دلیل دوم: دلیل دومی هم که ذکر شد که اهمیت مسئله، اقتضاء می‌کند که پیامبر ضمن اینکه آیات را مرتب کرده سوره را هم مرتب کرده باشد قابل قبول نیست چون ترتیب آیات مهم بوده که آیات کجا قرار بگیرند و تناسب آنها به چه نحو باشد مخصوصاً تأثیری که ترتیب آیات در فهم معانی دارد اقتضاء می‌کرده که پیامبر آیات را مرتب بکنند اما رعایت ترتیب در مورد سوره این بوده که سوره نظم پیدا کند و تأثیری در فهم معانی نداشته، لذا این دلیل هم محل اشکال است.

ادله قول دوم: قائلین به ترتیب بعد از پیامبر:

دلیل اول:

دلیل اول اینکه اگر قرآن می‌خواست در زمان پیامبر به طور کامل مرتب شود متوقف بر این بود که وحی پایان پذیرد و امکان نزول آیه یا سوره جدید نباشد مثل نویسنده‌ای که کتابی را به طور کامل می‌نویسد و بعد آن را تنظیم می‌کند، اما چون امکان نزول آیات تا لحظه رحلت پیامبر وجود داشت لذا امکان نداشت ترتیب در زمان پیامبر صورت گرفته باشد.

دلیل دوم:

دلیل دوم اینکه تلاش‌های زیادی بعد از زمان پیامبر برای جمع و تدوین قرآن انجام شده و اگر تدوین و جمع قرآن به این معنا که ترتیب بین آیات و سوره هم رعایت شده باشد، در زمان پیامبر شکل گرفته بود معنا نداشت که دیگران بعد از پیامبر به جمع و تدوین قرآن بپردازند در حالی که تلاش‌های زیادی از طرف اصحاب خصوصاً امیرالمؤمنین برای جمع قرآن صورت گرفته است و بحث‌های زیادی در این رابطه بین اصحاب واقع شده که اینها نشان دهنده این است که تدوین قرآن در زمان پیامبر صورت نگرفته و گرنه وقوع این تلاش‌ها و بحث‌ها برای جمع‌آوری قرآن معنا نداشت.

دلیل سوم:

دلیل سوم اینکه در زمان پیامبر آیات و سُور در الواح پراکنده نوشته شده بود و در یک کتاب جمع نشده بود پس چطور می‌توان گفت ترتیب سور در زمان پیامبر صورت گرفته درحالی که آیات و سور در کتاب واحدی جمع نشده بود و در الواح پراکنده، نوشته شده بود که بعد از پیامبر شروع کردند به جمع آوری الواح پراکنده و خود این الواح پراکنده نشان دهنده این است که ترتیب بین سور نمی‌توانسته در زمان پیامبر واقع شده باشد مگر اینکه پیامبر آن را در یک کلامی برای افرادی مثل امیرالمؤمنین معین کرده باشند که با دستور پیامبر این کار را کردند.

دلیل قول سوم: تفصیل بین سور:

عمده ترین دلیل قائلین به تفصیل، روایات است که معتقدند روایاتی وجود دارد که به طور خاص در جوامع روائی اهل سنت ذکر شده که بر اساس آن روایات جایگاه بعضی از سوره‌های قرآن بعد از زمان پیامبر تعیین شده و غیر از این دلیل دیگری ندارند.

بررسی قول به تفصیل:

به نظر می‌رسد که قول به تفصیل باطل است زیرا:

اولاً: روایاتی که در آنها به سوره‌هایی اشاره شده که مورد اختلاف است و در زمان پیامبر مرتب نشده ضعیف هستند و خود کسانی هم که به این روایات استناد کرده‌اند به ضعف این روایات اذعان دارند.

ثانیاً: علاوه بر ضعف روایات مورد استناد آیا می‌شود گفت که واقعاً ترتیب بعضی از سور در زمان پیامبر و ترتیب بعضی دیگر در زمان بعد از پیامبر صورت گرفته باشد؟ این سخن فی الجمله قابل تصویر هست ولی وقتی جایگاه تعدادی از سوره‌ها معلوم شده باشد و جای تعدادی دیگر معلوم نشده مشکلی که پیش می‌آید این است که آن تعدادی که جایگاهشان معلوم نشده را به چه نحو بین سوره‌هایی که مرتب شده قرار دهند؟ آیا در اول قرار دهند؟ یا در آخر قرار دهند؟ زیرا به هر نحوی که قرار بگیرند ترتیبی که مد نظر پیامبر بوده رعایت نشده پس ضمن اینکه تصویر قول به تفصیل مشکل است دلیل قابل اعتمادی هم بر این قول ارائه نشده و روایات مورد استناد هم ضعیف می‌باشند.

در مورد قول به ترتیب سور در زمان پیامبر، ما به هر دو دلیل قائلین به این قول اشکال کردیم و گفتیم این ادله برای اثبات مدعا کفایت نمی‌کند پس این قول هم پذیرفته نشد.

بررسی قول دوم:

اما قول به ترتیب سور در زمان بعد از پیامبر، دلیل اول این قول مخدوش است چون قائلین به این قول در دلیل اول خود گفتند چون امکان نزول سُور و آیات جدید تا زمان رحلت پیامبر وجود داشته لذا ترتیب سور در زمان پیامبر ممکن نبوده است، اشکال این دلیل این است که اگر امکان نزول سور و آیات جدید مانع ترتیب سور در زمان پیامبر باشد همین امکان، مانع ترتیب آیات در زمان پیامبر هم می‌شود یعنی لازمه این دلیل این است که آیات هم در زمان پیامبر مرتب نشده باشد

چون هر آن احتمال نزول آیه جدیدی وجود داشته در حالی که قبلاً گفتیم در این جهت که آیات در زمان پیامبر مرتب شده‌اند و ترتیب آنها توقیفی است هیچ اختلافی بین مسلمین اعم از عامه و خاصه وجود ندارد. ولی دلیل دوم و سوم این قول قابل اعتماد و استناد است و بر دلیل دوم چند شاهد و مؤید هم ارائه کرده‌اند از جمله مصحف امیرالمؤمنین(ع) که این خود شاهدی قوی است بر اینکه ترتیب سور در زمان پیامبر نبوده و بعد از پیامبر صورت گرفته است.

نتیجه اینکه: ترتیب بین سُوَر بعد از زمان پیامبر صورت گرفته است. البته این احتمال وجود دارد که این ترتیب به دستور پیامبر و با تعلیم پیامبر به امیرالمؤمنین تحقق پیدا کرده است و به این نحو بین قول اول و قول دوم جمع می‌شود که از یک طرف ترتیب با دستور پیامبر صورت گرفته و از طرف دیگر این ترتیب در زمان بعد از رسول اکرم واقع شده است.

بحث جلسه آینده: ویژگی‌های مصحف علی(ع) بحثی است که در جلسه آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»